



۲۰۱۶/۰۶/۳۰



م. اسحاق نگارگر

خدا حافظ کابل

"از افغانستان به سوی جاهای خطرناکتر"
نوشته: کرسستینا اُم (Cristina l'Homme) – مترجم نگارگر

فصل بیستم و سوم

بخش دوم

ملاقات نخست با اداره نو خود اشاره ای بود در باره چیزهایی که باید به دنبال بیاید. به عنوان تمرکز تازه بر منطقه "اوباما" دیپلمات سابقه دار و کارگشته آمریکا "ریچارد هولبروک" را به سمت نماینده خاص خود برای افغانستان و پاکستان برگزید. "هولبروک" شست و هفت ساله در یافتن راه حلی برای جنگ بوزنیا در سال ۱۹۹۵ شهرت داشت. او آدمی خودخواه بود و حس خود بزرگ پنداری اش بسیار زیاد بود و وزارت خارجه آمریکا از انتساب او چندان راضی نبود و برایش غرفه ای کوچک در یک زیر زمینی همجوار کانتین داده بودند.

"کلگن" گفت: «"هولبروک" به شیوه ای عمل میکرد که پنداری افغانستان معضله ای نسبتاً مشکل بود که اداره "بش" آنرا پیچیده ساخته بود و مردی با شخصیت و تجربه او از بوزنیا آنرا حل میکند.»

کرزی "هولبروک" را از همان آغاز نپسندیده بود. کرزی باور کرده بود که "هولبروک" سخت زیر تأثیر پروپاگند های پاکستان رفته بود؛

روابط با او در جریان انتخابات اگست ۲۰۰۹ بیشتر خراب شد. چهل کاندید وارد میدان مسابقات انتخاباتی شدند که بسیاری امید پیروزی نداشتند و مقصود شان این بود که بعد از گرفتن برخی امتیازها به نفع کاندید مطلوب خود صرف نظر کنند. کرزی چندین تن را واداشت که به نفع او میدان را رها کنند. "گل آغا شیرزی" نیز در برابر این استدلال کرزی که پشتون ها باید باهم باشند از معرکه کنار رفت.

این موضوع دیگر رازی پوشیده نبود که آمریکا می خواست دیگری جای کرزی را بگیرد. اما یک برخورد واقعینانه با موضوع نشان می داد که کاندیدی جدی وجود نداشت تا کرزی را به مبارزه بطلد. برای وزنه های قوی امید پیروزی بود اما مشروط بدین که همه به دور یک کاندید متحد می شدند؛ اما در افغانستان مشکل این است که همه می خواهند پادشاه باشند به همین دلیل همه در میدان مبارزه باقی ماندند. یگانه تهدید واقعی برای کرزی داکتر عبدالله عبدالله وزیر خارجه سابق و شخص مورد اعتماد احمد شاه مسعود بود. اما او به اقلیت تاجک تعلق داشت که پشتون ها بر ضد او بودند. هر چند او هی به مردم تکرار کرد که پدرش پشتون بوده است اما به دلیل

وابستگی دراز مدت او با تاجک ها ادعایش راهی در هیچ دل باز نکرد.

حتی در همین حال نیز وقتی "هولبروک" و جنرال "کارل آیکنبری" که اکنون سفیر بود به افغانستان برگشتند؛ با کاندیدان دیگر ملاقات ها کردند و عکس ها گرفتند و در اجتماعات شان اشتراک کردند. کرزی از ارگ تمام این کار ها را با خشم تماشا می کرد. "گیتس" نوشته است: «"هولبروک" بسیار کوشید که کرزی در انتخابات شکست بخورد.» کرزی برای اینکه پیروزی خود را تثبیت کند؛ به سوی جنگسالارانی روی آورد که روزگاری سوگند از میان بُردن شان را خورده بود. دیپلمات های غربی با ترس و نفرت مشاهده نمودند که او رقیب خود مارشال فهیم را معاون اول خود برگزید و حال آنکه او در صدر لیست متخلفان حقوق بشر در گذشته و حال بود. و از سال ۲۰۰۱ بدین سو سرمایه اندوخته بود. "براد آدم" مدیر دیدبان حقوق بشر در آسیا او را یکی از بدترین جنگسالاران افغانستان خوانده بود که دستانش با خون بسیار افغان ها آلوده بود و همه باور داشتند که از سال های جنگ داخلی بدین سو به فعالیت های غیر قانونی اشتغال و ملیشه های مسلح داشته است. به اساس گزارش های سی. آی. ای او یک طیاره باربردار شوری داشت که هیرویین به روسیه انتقال می داد.

کرزی همچنان یکی دیگر از متخلفان حقوق بشر یعنی جنرال دوستم را نیز به خود نزدیک کرد. جنرال دوستم که متهم بود صدها زندانی طالب را در سال ۲۰۰۱ در کانتینر ها خفه کرده بود و در حال تبعید در ترکیه می زیست و تازه خود را از سیلاب ردلیل جانی و اگر که ویسکی مورد پسند اوست خشک می کرد. کرزی او را فرا خواند. او زود برای خود درد سری دیگر درست کرد و به خانه همکار سابق خود "اکبر بای" رفت و او و پسرش را سخت زیر لت و کوب گرفت و دو محافظ او را نیز کُشت و مردی دیگر را اختطاف کرد. وقتی پولیس به در خانه زرد رنگ دوستم رسید او بر سقف خانه بالا شد و همانند گوریلا دست بر سینه کوفت و پولیس ها را به باد تحقیر و توهین گرفت تا آنان دنبال کار خود رفتند.

گاهی دوستم هرچه که بود او از ده در صد رأی مردم اُزبک برخوردار بود به همین دلیل کرزی برایش یک مقام سمبولیک یعنی رئیس دفاع برای همه عمرش داد و پُشتیبانی او را جلب نمود.

وقتی من از کرزی پرسیدم که چه گونه ممکن است با مردی از این قماش بتواند کار کند او غرید: «امریکایی ها وقتی می خواستند از شر القاعده خلاصی یابند بسیار خوشحال بودند که با این گونه اشخاص کار کنند. در غرب همیشه این مشکل وجود دارد. وقتی خود به کسی ضرورت دارند؛ آن شخص خوب است اما وقتی ضرورت ندارند همان کس بد است. اما؛ شیوه پیشامد ما بدین منوال نیست. فهیم از سال ۲۰۰۱ بدین سو برای این حکومت بسیار خوب کار کرده است. در سال ۲۰۰۴ وقتی جنرال دوستم برای انتخابات ایستاد یک ملیون افغان برایش رأی دادند. ملل متحد به او اجازه داد و امریکاییان با وی کمک کردند. من نمی توانم دوستم را بد بگویم. در حالیکه وسایل اطلاع رسانی غرب او را گاه خوب و گاه بد می خواند و یک کشور غربی او را دوست دارد.

انتخابات در جریان یک جنگ تمام عیار خود نسخه ای برای مصیبت بود. وضع امنیتی در غرب آنقدر بد بود که عده ای بسیار اندک برای رأی دهی حاضر شدند. طالبان تهدید کرده بودند که انگشت رأی دهندگان را قطع خواهند کرد. ناظران تخمین زده بودند که اشتراک مردم در انتخابات کمتر از پانزده در صد بوده است. یک روز بعد از انتخابات در حالی که عملیه انتقال رأی ها بر پُشت مرکب ها هفته ها وقت می گرفت "هولبروک" و "آیکنبری" به دیدن کرزی رفتند و از او در باره پلان هایش در صورتی که بار دیگر انتخاب شود پرسیدند و کرزی به ایشان گفت: «من دوباره انتخاب شده ام!» آنان به او یادآوری کردند که هنوز این نخستین دور است و انتخابات باید به

دور دوم پُرود و این کمابیش یکی دو هفته وقت می گیرد و اگر هر دو کاندید کم از پنجاه در صد رأی بگیرند انتخابات نتیجه ای نخواهد داشت. کرزی بسیار خشمگین شد و گفت: «این ممکن نیست؛ من خوب می دانم که مردم چه انتخاب می کنند.» به مجردی که این دو امریکایی رفتند کرزی به وزارت خارجه امریکا تلیفون و تقاضا کرد تا با «هلری کلنتن» یا «اوباما» صحبت کند. هیچ کدام تلیفون او را نگرفتند دو روز بعد «آیکنبری» و «هولبروک» دوباره به دیدار کرزی رفتند و او شکایت کنان گفت: «شما با من مخالفت می کنید. این یک توطئه امریکا و انگلیس است.» به زودی راپور های تقلب بسیار گسترده رسیدن گرفت. مأموران رسمی ملل متحد گزارش دادند که هواداران احمد ولی کرزی صد ها هزار رأی جعل کرده بودند و «اشباح» مراکز رأی دهی که قبلاً به دلیل فقدان امنیت اصلاً باز نشده بود باز گردیده و مردم رأی داده بودند.

"پیتر گال بریث" که یکی از دوستان نزدیک "هولبروک" بود و اخیراً به سمّت معاون سر دفتر ملل متحد در کابل مقرر شده بود گفت که از هر سه رأی کرزی یک رأی تقلبی بود.

و اما من؛ در سال ۲۰۰۴ نیز دیده بودم که انتخابات نواقص و کمبودی ها داشت اما جامعه جهانی از آن شکایتی بر لب نیاورد زیرا که نتیجه انتخابات با خواست آنان هماهنگی داشت. "گال بریث" ادعا کرد که آمرش "کای ایدی" در آن وقت از کارکنان ملل متحد خواست که خاموش بمانند. "گال بریث" بعد از آنکه نامه ای شدیدالحن نوشت و "کای ایدی" را متهم به پوشیدن تقلب کرد از کار برکنار گردید.

وزیر مالیه نخستین نتایج انتخابات را اعلام کرد که در آن کرزی ۵۴/۶ در صد رأی گرفته بود ولی شواهد به دست آمده فریاد جامعه جهانی را بلند کرد و بالاخره در ماه اکتوبر کمسیون انتخابات ۳/۱ ملیون رأی کرزی را باطل اعلام کرد و معنای آن این بود که کرزی ۷/۴۹ در صد رأی گرفته بود و انتخابات با نزدیک ترین رقیب کرزی یعنی عبدالله عبدالله به دور دوم می رفت. کرزی بسیار خشمگین بود. اتفاقاً سناتور "جان کری" برای دیدار با سربازان امریکایی و چانه زنی با کرزی در کابل بود و پنج روز بیست ساعت را وقف ملاقات با کرزی کرد. آن دو گرداگرد باغ ارگ قدم زدند و صحبت کردند تا بالاخره قرار شد انتخابات به دور دوم پُرود. کرزی گفت: «بعضاً حالات بسیار ناخوشایند پیش می آید.» او از تجربه تلخ انتخابات ۲۰۰۴ امریکا صحبت کرد و در نهایت تصمیم گرفت که در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت کند و تصمیم بگیرد که انتخابات به دور دوم برود. اما عبدالله عبدالله با نرفتن به دور دوم انتخابات او را از این مخمصه نجات داد. کرزی برای دور دوم سوگند وفاداری یاد کرد ولی امریکایی ها را برای اینکه در نظر عامه او را خوار و خفیف ساخته بودند؛ هرگز نبخشود.

پایان بخش دوم

ادامه دارد

بخش اول این مطلب را به کمک لینک آتی (آریانا افغانستان آنلاین) که در زیر است، مطالعه کرده می توانید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Negargar_l/i_negargar_khodaa_haafez_habul.pdf